

رد خون در ضاحیه

بهنام توفیقی
عکاس

من عکس‌های زیادی گرفته‌ام. از جشن و جشنواره تا سیل و زلزله، از وضعیت عادی تا بحران، از نمایش تئاتر تا بازی فوتبال، از طبیعت و سفر تا حادثه و خطر، سختی و هیجان همه این تجربه‌ها، شاید سنگینی یک ساعت حضور در معرکه جنگ را نداشته باشد. معرکه‌ای که هستی و نیستی، به حقیقت دمی بیش نیست. حیات و مرگ، حضور و عدم، و ثبت تصویر در جنگ، ثبت یکی از این دو است. میانه‌ای ندارد. یا زندگی پیروز می‌شود یا مرگ، یا نور برای عکس انداختن هست و یا تاریکی به تو می‌گوید که از این لحظه نمی‌شود عکس گرفت. در سال‌های اخیر اصطلاحی باب شده است که من برخلاف بسیاری، اتفاقاً آن را می‌پسندیدم و آن را دستاویزی برای اتحاد می‌دانستم. همیشه. و آن «وسط» بودن است. من موافق این گزاره، در جنگ نمی‌توانستم جایی برای آن بیابم. وسطی وجود نداشت. اصلاً وسطی وجود ندارد که تو آن را انتخاب کنی. در میانه مرگ و زندگی. لحظه‌ای برای عکس هست. لحظه‌ای طولانی. آن آوارگی است. انگار همه روزهای آوارگی شبیه همدند و برای بخشی از مردم لبنان، این روزها برای بار چندم در عمر چندده ساله‌شان آغاز شده

است. مگر یک آدم چقدر عمر می‌کند که بخواهد آن را در جایی غیر از خانه‌اش بگذراند. دشمنی اهریمن اما تمامی ندارد. چه باید کرد. ما اینجا در تظاهرات و در تلویزیون مان زیاد از «مقاومت» استفاده می‌کنیم. انگار خیلی مصرف‌ش کرده‌ایم. و حیف. حیف که آن رنج و ایستادن بر ایمان و عقیده و جهاد، در «مقاومت مصرف‌شده» در صداسیما تجلی نمی‌یابد. دارم می‌گردم دنبال کلمه تازه‌ای که شاید، شاید به آنچه بر مردم لبنان می‌گذرد، نزدیک‌تر باشد و آن را معنای دقیق‌تری ببخشند. مادری با چهار فرزند قد و نیم‌قد، بی‌پناه، ایستاده بر تپه‌ای، یک آن به راه آمده می‌نگردد. یکی از دست‌هایش را روی پیشانی می‌گذارد تا نور خورشید مزاحم نگاهش نشود؛ آه که چقدر راه آمده اما هنوز خانه‌اش را می‌بیند. آن سوتر مرزهای دشمن اشغالگر است. و چقدر «خانه» تا رسیدن دشمن به آن خط. از صاحبانش غصب شده است. خانه‌هایی با آدم‌هایی که هزار آرزو داشتند اما روزی که آواره شدند، مثل این زن، مدام بازمی‌گشتند و نگاه می‌کردند. چه غربتی دارد غروب بیروت. آن دولقه‌های خوابیده روی زانوی مادر را نگاه کن. چقدر خوشگل خوابیده‌اند. مادر از بیچه‌ها خسته‌تر است اما مگر جایی هست که ساعتی سر بر بالینی بگذارد! بالین! دارم حرف لوکس می‌زنم. آن هم وسط جنگ و چقدر بلد نیستم.

این چمدان‌ها حالا تمام زندگی کسانی هستند که در خانه‌شان بساطی داشتند. زندگی‌ها در چمدان خلاصه شده‌اند. چند دست لباس، قاب عکسی شاید و یادگاری‌هایی که نمی‌شود جایشان گذاشت. کاش آدم تق‌ونوقی از این مردم بشنود. ولی نه! نمی‌شنوی! این مردم مسافر غریب مقاوم برحوصله می‌دانند روزهایی شاید سخت‌تر از این پیش رو دارند. نمی‌شود این اول کار بی‌حصولگی کرد. بیچه‌جان تاب بسیار. راه زیاد داریم. به کجا مادر؟ معلوم نیست. حالا داریم می‌رویم. مرد‌ها کمند. برخی مانده‌اند برای جنگ. خانواده‌ها حالا باید منتظر بمانند. از تپه بالا برو. سخت است می‌دانم ولی راه را نزدیک‌تر می‌کنی. می‌گویند در جنگ خسری از زندگی نیست. پس این همه زندگی در حرکت که من دیدم چه بودند! این عکس‌ها وسط نیستند. نخواستند وسط باشند. آنها دارند زندگی می‌کنند ولی به سبک خودشان، به سبک مقاومت. دنیا بست‌تر از آن است که ارزش بزرگی زندگی اینها را بفهمد و به خاطر همین است که این مردم هم دنیا را زودگذر می‌بینند. در کلام‌شان ایستادگی جاری است. حسین‌الله جاری است. حزن برای سید حسن جاری است، امید جاری است و زندگی جاری است اما نه شبیه سبک زندگی ما. شبیه خودشان. شبیه سید حسن که چند دهه در سختی زندگی می‌کرد.



گزارش

پیغام امید با فیلم‌اولی‌ها

سارا مومنی
دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

در هر حوزه و تخصصی که پایگذازم، اغلب آثار اول خود مان را به پای تجربه و اصطلاحاً تازوی می‌گذارم و بابتش خیلی از خود مان و اثر آن نوعی ندانم و هرکسی هم نقدی بر آن وارد کند، این دفاع را دارم که بگویم کار اول مان است، هرچند بنا به میل درونی دوست دارم همان اثر اولیه‌م به دیده و تحسین شود. در حوزه سینما هم همین است. «فیلم اولی‌های سینما» فرازفورد‌های زیادی از مراحل اولیه ساخت‌شان دارند و اغلب دستگرمی کارگردان‌شان برای شناخت ذائقه مخاطب و حتی نگاه خودشان به جهان می‌شوند. به بهانه فیلم سینمایی «در آغوش درخت» که اولین ساخته بابک خواجه‌پاشا است و به عنوان نماینده ایران به اسکار معرفی شده است، فیلم اولی‌های سینمای ایران در دهه‌های مختلف جشنواره فیلم فجر را بررسی کردیم. در طول تاریخ سینمای ایران فیلم اولی‌هایی بوده‌اند که فارغ از اول بودن‌شان به لحاظ کمی و کیفی در نگاه مخاطب، در جشنواره فیلم فجر نیز درخشیده و سیم‌خ را از آن خود کرده‌اند. سال گذشته که چهار دومین جشنواره فیلم فجر را گذرانیم، از ۱۰۶ فیلم متقاضی حضور در جشنواره ۵ فیلم، متعلق به کارگردانان فیلم اولی بود. این یعنی علاوه بر اینکه تعداد فیلم اولی‌ها زیاد شده کیفیت آنها به قدری بالا رفته که تولیدکننده اولین اثرش را انداز حضور در جشنواره و جایزه گرفتن می‌بیند و این اتفاق خوبی در سینمای ایران است اگر ابعاد مختلف آن در نظر گرفته شود و این اتفاق باعث پایین آمدن استانداردهای فنی و محتوایی کل آثار نشود.

فیلم اولی‌ها در جست‌وجوی سیم‌خ

میزبانی ادوار مختلف جشنواره فیلم فجر برای فیلم اولی‌ها ثابت و محکم نبوده است؛ در سال‌های مختلف جایز فیلم اولی‌ها در کم و کیف تغییر کرد. در سال‌های ابتدایی جشنواره بخش «فیلم‌های آنتور» به آنها اختصاص داده شد. پس از چند دوره نام «فیلم اولی» جایگزین آن شد، در سال‌هایی به هیچ فیلم اولی جایزه تعلق نگرفت. در دهه اخیر نیز بخشی با عنوان «نگاه نو» در حذف و اضافه مستمر دوره‌های مختلف جشنواره این سال‌ها تلاش داشت که میزبان فیلم اولی‌ها باشد و در سال‌هایی هم این بخش به‌طور کلی در جشنواره حذف شد و کارگردانان فیلم اولی هم در بخش سودای سیم‌خ شرکت داده شدند.

سیم‌خ روی‌شانه فیلم‌اولی‌های دهه ۶۰

اولین فیلم سینمایی حسن محمدزاده با نام «ترسک» سیم‌خ سال ۱۳۶۳ را از آن خود کرد. فیلم یک موضوع خانوادگی با محوریت «ازدواج مجدد» و اثر آن بر کودکان دارد. یک سال پس از آن، سیم‌خ روی‌شانه‌های اولین فیلم مجید قاری‌زاده با عنوان «پدر بزرگ» نشست. فیلم با موضوع مساله تغییرات محل زندگی خانواده از خانه قدیمی به خانه آپارتمانی و در نگاهی کلان‌تر، تغییر نگاه سنتی به مدرن در زندگی خانوادگی با توجه به بافت موقعیتی و تاریخی آن دهه حرف‌های زیادی برای گفتن دارد که در پایان‌بندی سنت پیروز میدان شده و خانواده‌هسته‌ای مطیع آن می‌شوند. در همین سال مسعود جعفری جوزانی نیز میزبان سیم‌خ برای فیلم اول خود با عنوان «جاده‌های سرد» نیز بود؛ فیلمی درباره یک جوان روستایی که برای تهیه داروی پدرش راهی شهر شده و ماجراهای مختلفی را از سر می‌گذراند. چند سال بعدی در حالی بدون جایزه بهترین فیلم و فیلم اولی سپری شد که در سال ۱۳۶۷، سعید ابراهیمی در جایزه ویژه هیات‌ادواران را با عنوان «بهترین فیلم اول» برای فیلمش دریافت کرد؛ «نار و نی» با فاصله گرفتن از داستان‌های خانوادگی و مسائل خانواده، درباره عکاسی جوانی است که پس از مواجهه با یک پیرمرد غریبه و مرور دفترچه خاطرات او به قالب پیرمرد درآمده و زندگی او از کودکی برایش مرور می‌شود. سیم‌خ در سال ۱۳۶۸ به یک قصه خانوادگی در دل جنگ بازگشته و با «آخرین پرواز» احمد رضا درویش، روی‌شانه‌های او می‌نشیند.

آخرین پرواز داستان یک خلبان است که پسر معلولش را برای معالجه به فرانسه می‌فرستد. پسر و همسر دیگر ماجرای گرگان‌گیری شده و خلبان به دنبال نجات آنها و عدم تبعیت از دشمن، ماجراهای مختلفی را از سر می‌گذراند. در سال ۱۳۷۰ سیم‌خ بهترین فیلم اولی به داستان گرگان‌گیری و دزدیده شدن دو خواهربرادر در فیلم «بدوک» تعلق می‌گیرد و از آن زمان، هر وقت قصه یک فیلم درباره یک خواهر و برادر کوچک باشد، ناخودآگاه به یاد کارگردان بزرگ کشورمان، مجید مجیدی می‌افتیم. فیلم اولی‌های دهه ۶۰ برآمده از بافت تاریخی، فرهنگی این دهه مسائل مختلفی را بازتابی کرده و در جشنواره فیلم فجر سیم‌خ گرفته‌اند. بیشتر مسائل فیلم اولی‌های این دهه حول محور خانواده شکل گرفته و به ذائقه سیم‌خ جشنواره نیز، همین مساله خوش آمده است.

دورپرواز میان «خانواده» و «جنگ»

از میان ۲۶ فیلم اولی و دومی شرکت‌کننده دوره دوازدهم جشنواره فیلم فجر، سینمایی «سایه‌های هجوم» ساخته احمد امینی است که در سال ۱۳۷۱ جایزه بهترین فیلم اولی را دریافت می‌کند. داستان فیلم درباره تبعات جنگ برای خانوار و خانواده‌هاست و البته در مسائل خانوادگی بازهم دست روی نقش نامادری گذاشته شده است. ۱۹ سال بعد احمد امینی آخرین فیلمش با عنوان «بی‌خداحافظی» را با موضوع مهاجرت جوانان جنوبی به تهران می‌سازد. سیم‌خ در سال بعد هم روی‌شانه یک فیلم اولی در ژانر جنگ می‌نشیند؛ احمد مرادپور، سینمایی «سجاده آتش» را در این سال می‌سازد. داستان فیلم به‌طور کامل در فضای جنگ و مسائل دفاع مقدس رقم خورده و روایت‌گر بخشی از تاریخ دفاع مقدس است. پس از شروع جنگی دهه ۷۰ فیلم اولی‌ها با «هجوم» و «آتش»، سیم‌خ در سال ۱۳۷۳ همراه «بادکنک سفید» جعفر بنایه شده و این فیلم، بهترین فیلم اولی جشنواره می‌شود. بادکنک سفید، یک فضا سازی از نفوز و سال تحویل» و قصه «ماهی قرمز و دختری خردسال» دارد. در سال بعد اما دوباره سیم‌خ روی‌شانه یک فیلم اولی در ژانر جنگ می‌نشیند؛ فیلم «دکل» به کارگردانی عبدالحسین برزیده در این سال جایزه بهترین فیلم اولی را دریافت می‌کند. داستان درباره «نوجوانان آبادانی» است که درگیر جنگ شده و در این بین ماجرای عاشقانه بدون سرانجامی را تجربه می‌کنند. پرویز شهبازی، کارگردان فیلم‌های سینمایی مانند «درند» (۱۳۹۱) و «نفس عمیق» (۱۳۸۰)، در سال ۱۳۷۵ اولین فیلم خود را ساخت و سیم‌خ بهترین فیلم اولی را دریافت کرد. فیلم «مسافر جنوب» درباره نوجوانی اهوازی است که برای گذراندن تعطیلات به تهران سفر می‌کند. او در قطار با پیرزنی آشنا می‌شود و این آشنایی ماجراهای مختلفی را برای او رقم می‌زند. این فیلم جوایز زیادی از جشنواره‌های مختلف زاین، ایتالیا، کره، فرانسه، آمریکا و اوکراین می‌گیرد. سیم‌خ چندسالی از فیلم اولی‌ها فاصله گرفته و در سال ۱۳۸۷ رضا میرکریمی برای فیلم «کودک و سرباز» دبیلیم افتخار دریافت می‌کند. فیلم مسائل مختلف خانوادگی افراد در نقش‌های خانوادگی را نشان می‌دهد؛ سربازی که دغدغه خواستگاری و ازدواج دارد، کودکی که از خانه فرار کرده و پدرموارد به دنبالش هستند و فضایی که این دو فرد با هم در روزهای منتهی به نوروز می‌گذرانند. «قطعه ناتمام» اولین فیلم مازیا میری در سال ۱۳۷۹ است که جایزه بهترین فیلمنامه را دریافت می‌کند. در این سال‌ها دیگر خبری از سیم‌خ بخش بهترین فیلم اولی نیست.

فیلم‌های اجتماعی

محمد رسول‌اف، در سال ۱۳۸۰ اولین فیلم خود با عنوان «گاگومان» را می‌سازد. سال بعد، پس از غیبت چندساله جایزه فیلم اولی و دومی جشنواره فیلم فجر این فیلم سیم‌خ بهترین فیلم اول و بهترین کارگردانی را دریافت می‌کند. داستان درباره زن و مردی زندانی است که در زندان ازدواج کرده و پس از مدتی از زندان آزاد می‌شوند و باید برای زندگی بیرون از زندان تلاش کنند. سینمای ایران در سال ۱۳۸۲ با «بوتیک» مواجه می‌شود؛ فیلم اول حمید

نعمت‌الله که جایزه بهترین فیلم اولی را از جشنواره می‌گیرد. داستان جوانانی که دیگر مسائل مختلف خانوادگی، عاطفی و مالی هستند و با خطرات زیادی مواجه می‌شوند. در همین سال «میهمان مامان» بهترین فیلم جشنواره فیلم فجر می‌شود؛ فیلمی که بعد از ۲۱ سال همچنان در ژانر خانوادگی و با عنوان فیلم خانواده شناخته می‌شود. در سال ۱۳۸۳ رضا اعظمیان اولین فیلم خود را با محوریت موضوع خانواده و جنگ می‌سازد؛ مرزی برای زندگی» سیم‌خ بهترین فیلم اولی دوره بیست‌وسوم جشنواره فیلم فجر را دریافت می‌کند. بعد از حدود ۱۵ سال در میان فیلم اولی‌های سینمای ایران، یک کارگردان زن را می‌بینیم که با ساخت سینمایی «عصر جمعه» سیم‌خ بهترین فیلم اولی را از آن خود می‌کند. هرچند امکان اکران عمومی پیدا نمی‌کند. فیلم موضوعی موضوع مسائل مهاجران اولی است. سیم‌خ بهترین فیلم اولی را دریافت می‌کند؛ «آخرین ملکه زمین» به کارگردانی «محمد رضا عرب» فیلمی درباره یک مهاجر افغانستانی است که به دلیل بی‌خبری از خانواده‌اش در افغانستان تهدیدهای آمریکا، راهی این کشور می‌شود. در سال ۱۳۸۶ بخش «بهترین فیلم اولی و دومی» به «نگاه اول» تغییر پیدا می‌کند. در این سال سینمایی «در میان ابرها» به کارگردانی روح‌الله حجازی موفق به دریافت سیم‌خ بهترین فیلم اولی می‌شود. این کارگردان پس از این فیلم، «زندگی خصوصی آقا و خانم میم» و «زندگی مشترک آقای محمودی و بانو» را ساخته است. واروژ کریم‌مسیحی پس از حدود ۲۰ سال دوباره به سینما برگشته و در سال ۱۳۸۷ سینمایی خود را با عنوان «تردید» را وارد بخش فیلم اولی‌های جشنواره فیلم فجر می‌کند و موفق به دریافت سیم‌خ می‌شود. داستان فیلم درباره قتل و خیانت‌های خانوادگی است. در سال ۱۳۸۸ تنها پنج فیلم در بخش فیلم اولی‌های جشنواره شرکت می‌کنند و از این میان، سینمایی «نفرودی» به کارگردانی حسن علی‌مردانی، سیم‌خ بهترین فیلم اولی را دریافت می‌کند. داستان فیلم درباره مسائل و تبعات جنگ بعد از گذشت سال‌ها برای یک مرد و خانواده‌اش است. پس از چهارسال دوباره بابک کارگردان زن فیلم اولی مواجیم که علاوه بر دریافت سیم‌خ بهترین فیلم اولی در بخش‌های «بهترین فیلمنامه»، «بهترین فیلم» و «بهترین بازیگر زن» نیز دبیلیم افتخار دریافت می‌کند. فیلم نگار آذربایجانی که نویسندهی مرحوم فرشته طائرپور را به همراه خود داشته است، درباره دو دختر جوان با موقعیت‌های متفاوت خانوادگی و اجتماعی است که در ماجرای با هم همراه می‌شوند. در سال ۱۳۹۰ ۲۱ فیلم اولی در جشنواره مواجیم که سیم‌خ بهترین فیلم اولی در حالی به سینمایی «گیرنده» به کارگردانی مهرداد غفاریزاده می‌رسد که اولین فیلم پیمان معادی با عنوان «رف روی کاج‌ها» سیم‌خ فیلم برگزیده تماشاگران را دریافت می‌کند. گیرنده داستانی درباره حضور رئیس جمهور در یک شهر و دریافت نامه‌های مردم است. رف روی کاج‌ها درباره زندگی یک زوج و خیانت یکی از آنها به دیگری است.

فیلم اولی‌های دهه ۸۰ با فاصله گرفتن از گفتمان جنگ به مسائل اجتماعی جوانان و خانواده‌ها وارد کرده اما امیدبخشی و حل مساله در دل خود ندارند.

در حال و هوای ابری فیلم اولی‌ها

اولین سال جشنواره در دهه ۹۰ در حالی سپری شد که فیلم «هلیز» به کارگردانی بهروز شعبی جایزه بهترین فیلم اولی را دریافت کرد. فیلم درباره ایست و قوام خانواده با وجود مسائل و مشکلات پیش آمده برای یکی از والدین است. سال پس از آن، فیلم «چند متر مکعب عشق» جمشید محمودی با موضوع عاشقانه تلخ یک پسر ایرانی و دختر مهاجر افغانی سیم‌خ را دریافت می‌کند. «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت» اولین فیلم وحید جلیلوند است که در جشنواره می‌سوم و در بخش نگاه نو نیز موفق به دریافت تندیس بلورین می‌شود. فیلم مسائل مجزای سه شخصیت را روایت می‌کند. در سال ۱۳۹۲ در حالی اولین فیلم سعید روستایی جایزه بهترین فیلم اولی و هشت سیم‌خ دیگر می‌شود که سومین فیلم او در سال ۱۴۰۰ توقیف شده و اکران عمومی

نمی‌شود. سینمایی «ابد و یک روز» داستان یک خانواده آشفته و پرمساله است که ازدواج دختر خانواده با یک مهاجر افغانستانی مسائل جدیدی برای خانواده به وجود می‌آورد. در سال ۱۳۹۵ ابراهیم ایرج‌زاد با اولین اثر بلند سینمایی خود، «تابستان داغ» سیم‌خ بلورین بهترین فیلم را دریافت کرد و در همان سال سینمایی «ویلاهی‌های منتر قیدی سیم‌خ بهترین فیلم اولی را از آن خود کرد. تابستان داغ فضایی تلخ داشته و مسائل یک زن و فرزندش پس از طلاق را با گوی می‌کند. ویلاهی‌ها ماجرای خانواده‌های رزمندگان دوران جنگ در مجتمعی در حوالی خط مقدم است. در میان فضاهای تلخ و سیاه خانوادگی فیلم اولی‌های این دهه، کمندی، خجالت‌نکش» به کارگردانی رضا مقصدی جایزه بهترین فیلم اولی را در سال ۱۳۹۶ دریافت می‌کند. این فیلم درباره بارداری در دوران میانسالی و مسائل مختلف مرتبط با آن برای والدین و خانواده است. سال ۱۳۹۷ سینمایی عجیب «مسخوباز» سیم‌خ بهترین فیلم اولی را دریافت می‌کند که از آن سال تا کنون فیلمسازش، یعنی همایون غنی‌زاده فیلم دیگری نساخته است. «مسخوباز» یک روایت ترکیبی ژانل و سوژنال از حالات، احوالات و رفتارهای سه شخصیت داستانی است که اگر بخوایم خلاصه بگویم به سه عبارت «عاشق سینما»، «عاشق معشوق» و «عاشق سیناست» درباره‌اش می‌رسم. رفتن یکی کارگردان فیلم اولی سراغ ژانر وحشت و همزمان سیم‌خ گرفتنش در جشنواره اتفاقی است که کمتر برای کارگردانان فیلم اولی رقم می‌خورد. «پوست» فیلم بهمین ارک درباره مسائل خانوادگی و ازدواج جوانان و تداخل خرافه و جادو در این مسائل است که در سال ۱۳۹۸ سیم‌خ بهترین فیلم اولی جشنواره را دریافت می‌کند. نزدیک به همین قصه و ژانر در سال بعد، سینمایی «الاولا» به کارگردانی اسرانی امیری در چهار بخش جشنواره، سیم‌خ دریافت کرد. «بی‌رویا» به کارگردانی آریین وزیر دفتری داستان زوج جوانی است که در آستانه مهاجرت‌شان از ایران دختری بی‌نام و نشان وارد زندگی‌شان شده و اتفاقات عجیبی برایشان رقم می‌خورد. این فیلم در سال ۱۴۰۰ موفق به دریافت سیم‌خ بهترین فیلم اولی شد.

روزنه امید در آسمان سینمای ایران

اگرچه در دهه‌های مختلف سینمای ایران با کارگردانان خوش ذوق و با استعدادی مواجه شد که آثار ماندگاری تولید کردند اما نگاه و جهان خلق شده اغلب این کارگردانان از مسائل مختلف مطرح شده در فیلم‌هایشان کمتر امیدبخشی، التیام، ترمیم یا اصلاح به دنبال دارد و بیشتر با رویکردی توصیفی و گاه‌ا غرافق‌آمیز فقط دست روی مسائل مختلف تلخ اجتماعی زده و آن را به مخاطب نشان داده است. در این میان با ورود کارگردانان خوش ذوق، حرفه‌ای و با استعداد دیگر به نظر می‌رسد که روزنه امید و امیدبخشی در سینمای ایران قابل مشاهده شده است. در آغوش درخت اولین سینمایی بابک خواجه‌پاشا است که بعد از دومین سینمایی او «آبی روشن»، این روزها در حال اکران است. یکی از معدود فیلم اولی‌هایی که با فاصله گرفتن از بازتابی تلخ و سیاه از مسائل مختلف خانوادگی و اجتماعی تلاش داشته در کنار نمایش مساله و قصه راه‌های بیرون رفت از بحران‌های خانوادگی را در یک فضا سازی لطیف، خوش آب و رنگ و پرجلوه به تصویر بکشد. در آغوش درخت درباره یک خانواده چهار نفره هسته‌ای به همراه خانواده گسترده‌شان است که درگیر بحران پیچیده‌ای شده و با در کنار هم قرار گرفتن، از آن عبور می‌کنند. این فیلم دبیلیم افتخار بهترین فیلم اولی و همچنین سیم‌خ بهترین فیلمنامه را از دوره ۴۱ جشنواره دریافت کرده است. در همین سال فیلم «آفت کلی» با محوریت جنگ و عملیات مرصاد، به کارگردانی محمد عسگری، سیم‌خ بهترین فیلم اولی را از آن خود می‌کند. در سال ۱۴۰۲، اغلب فیلم‌هایی که جایزه دریافت کرده‌اند ولی هستند. مثلاً سینمایی «پرویزخان» با کارگردانی علی تقفی، محوریت موضوع فوتبال و جوانان دارد و امیدبخشی، پشتکار و صبر را بازنمایی می‌کند با سینمایی «آب‌اتچی» که جایزه ویژه هیات‌ادواران را دریافت کرده است با محوریت موضوع شغل سینماگری، تصویر امیدبخشی از تلاش، پشتکار و همراهی خانواده به مخاطب نشان داده است.